

رساله‌ی طبی «فواید الافضلیه» و جایگاه آن در پزشکی دوره‌ی صفویه

علی‌اکبر جعفری^۱، فاطمه علیان امین‌آبادی^۲، زهرا حسین هاشمی دهقی^{۳*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

علی افضل قاطع قزوینی از پزشکان حاذق و دانشمند دوره‌ی صفویه است که در بررسی تاریخ پزشکی آن دوره، کم‌ترین توجه به شخصیت و فعالیت‌های پزشکی او شده است. در مجموعه آثار قزوینی، سه اثر علمی در حوزه‌ی طبی وجود دارد که می‌تواند در بررسی تاریخ پزشکی صفویه مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، مقاله‌ی حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی زندگی علی افضل قزوینی، رساله‌ی فواید الافضلیه را معرفی می‌کند. این رساله، دائرةالمعارفی است حاوی مطالب متنوع و لازم برای پزشکان دوره صفوی که آن‌ها را از مراجعه به دیگر منابع بی‌نیاز می‌کرده است. بر این اساس، مهم‌ترین سؤال پژوهش این است که: رساله‌ی طبی فواید الافضلیه دارای چه مشخصات و ویژگی‌هایی است که آن را به‌عنوان اثری مهم در پزشکی دوره‌ی صفویه قرار می‌دهد؟ بررسی زندگی علی افضل قزوینی و واکاوی محتوای رساله‌ی فواید الافضلیه نشان می‌دهد این رساله، حجیم‌ترین رساله‌ی پزشکی عصر صفوی است که حاوی اطلاعات ضروری مورد نیاز پزشکان بوده است. لذا برای بررسی پزشکی دوره‌ی صفویه توجه به رساله‌ی طبی فواید الافضلیه بسیار ضروری است.

واژگان کلیدی: علی افضل قاطع قزوینی، فواید الافضلیه، صفویه، پزشکی اسلامی

^۱ استادیار، گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علم طب و داروسازی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

* نشانی: اصفهان، دروازه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دفتر گروه تاریخ، تلفن: ۷۹۳۳۱۲۱.

مقدمه

دوره‌ی صفویه به عبارتی آخرین دوره شکوفایی و احیای تمدن ایرانی-اسلامی قبل از تهاجم گسترده تمدن اروپایی به ایران در قرن نوزدهم میلادی محسوب می‌شود. در این شکوفایی، بسیاری از علوم، دانش‌ها، هنرها و صنایع، رشد چشم‌گیر و ماندگاری پیدا کردند. دانش پزشکی و داروسازی نیز به‌عنوان یک شاخه علمی ضروری و مورد نیاز جامعه در این دوره مورد توجه ویژه قرار گرفت.

پیرامون دانش پزشکی صفویه و به‌رغم آثار ارزشمندی که محققان گران‌سنگ عرضه نموده‌اند، هم‌چنان با ضعف و محدودیت اطلاعات و بالتبع نظرات محدود و حتی غیر کارشناسی روبه‌رو هستیم. این مسأله به موقعیت و جایگاه این علم در چرخه سایر علوم و به کم توجهی به آثار پزشکی و داروسازی این دوره توسط محققان باز می‌گردد. این کم توجهی خواه به‌دلیل فقدان منابع و آثار پزشکی و داروسازی دوره‌ی صفویه، خواه به‌دلیل ناشناخته باقی ماندن آن‌ها و قرار داشتن در کتابخانه‌ها یا به‌دلیل رغبت کم برای توجه به منابع موجود توسط محققان، موجب شده تا جویندگان علم و دانش به‌ویژه در حوزه‌ی تاریخ علم و به‌طور خاص علاقه‌مندان به تاریخ پزشکی دوره‌ی صفویه را با نوعی سرخوردگی روبه‌رو کند. یکی از نتایج این وضعیت، قضاوت‌های متفاوتی است که در مورد وضعیت پزشکی در عصر صفویه شده است.

مصادق بارزی برای اثبات غفلت از نگاشته‌های حوزه‌ی پزشکی در عصر صفویه را در مورد علی قاطع قزوینی و آثار پزشکی او به‌ویژه «فوائد الافضلیه» می‌توان دید که تلاش شده در این مقاله معرفی شود. علی قاطع قزوینی که به‌رغم نام و آوازه‌ی کم فروغش، از پرکارترین پزشکان نیمه دوم قرن یازدهم هجری قمری است، در حوزه‌ی پزشکی و داروسازی دارای حداقل سه اثر ارزشمند است که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این میان، فوائد الافضلیه او دائرةالمعارفی از

دانش پزشکی است و اگر حتی درسنامه‌ای هم برای طالبان پزشکی آن دوره نباشد، فرم و محتوای آن گویای جایگاه والای آن در پزشکی آن دوره است. این کتاب که به خوبی می‌تواند بخشی از تحقیقات تاریخ پزشکی صفویه را روشن نماید، متأسفانه با بی‌توجهی محققان روبه‌رو شده است. از این رو، این پژوهش به منظور پاسخگویی به این سؤال که: رساله‌ی طبی فوائد الافضلیه دارای چه مشخصات و ویژگی‌هایی است که آن را به‌عنوان اثری مهم در پزشکی دوره‌ی صفویه قرار می‌دهد؟ ضمن بررسی زندگی قزوینی، این رساله را واکاوی نموده و از این رهگذر، به جایگاه آن در بررسی پزشکی صفویه می‌پردازد.

جستاری در تاریخ پزشکی عصر صفویه

هر گاه سخن از پزشکی عصر صفویه می‌شود، نام محقق، پژوهشگر و پزشک انگلیسی، سیریل الگود در ذهن نقش می‌بندد. این مسأله اگرچه نوعی حق شناسی و سپاس از تلاش‌های علمی ایشان است اما از زاویه‌ای دیگر فضای پژوهش را به سمت و سویی می‌برد که گویا نباید پیرامون این موضوع مهم دست به پژوهش زد. نتیجه‌ی این امر، غافل شدن از پژوهش‌های جدید و مبتنی بر متون اصلی در حوزه‌ی پزشکی دوره‌ی صفویه است. واقعیت امر این است که علاوه بر این مسأله‌ی مهم، مطالعه و تحقیق پیرامون تاریخ پزشکی عصر صفوی در مقایسه با برخی دیگر از علوم، با مشکلات ویژه‌ای روبه‌روست. کم توجهی منابع داخلی عصر صفوی و از قلم افتادن نام بسیاری از پزشکان بزرگ این دوره در متون تاریخی، گزارش‌های محدود و عموماً مایوس‌کننده سیاحان خارجی از اوضاع پزشکی آن دوره، فقدان یا ناشناخته باقی ماندن منابع اختصاصی پزشکی دوره‌ی صفویه همراه با استقبال کم از معدود آثار این‌گونه‌ای که در دسترس می‌باشد و از بین رفتن آثار و ابنیه مربوط به فعالیت‌های پزشکی آن دوره، مهم‌ترین این مشکلات محسوب می‌شوند.

معالجه بیماران در ایران، سخت تحت تأثیر روش جالینوسی است (۶).

۲- استفاده از منابع پزشکی قدیم و کم توجهی به تألیف یا استفاده از منابع جدید. این مشکل اساسی پزشکی عصر صفویه به گونه‌ای بود که حتی سیوری نیز که به تعریف از دانش پزشکی عصر صفویه پرداخته، تأکید می‌کند که در این دوره، هم‌چنان کتاب قانون ابن‌سینا به‌عنوان اصلی‌ترین منبع پزشکی مورد استفاده قرار می‌گرفت (۳). این مسأله هم در آن زمان، پزشکی را ناکارآمد می‌نمود و هم امروزه در بررسی تاریخ پزشکی عصر صفویه، دست پژوهشگران را خالی می‌گذارد. در واقع آثار جدید می‌تواند سند گویا و شفافی از میزان فهم، توانمندی و تجربیات پزشکان دوره‌ی صفویه رمزگشایی نماید؛ موضوعی که به تأکید منابع، در دوره‌ی صفویه کم‌تر دیده می‌شود. شاردن تأکید می‌کند در دوره‌ی صفویه، هم‌چنان «ذخیره خوارزمشاهی» - که تألیف آن بیش از سه قرن قبل از تشکیل دولت صفویه بوده است - به‌عنوان معتبرترین و مفصل‌ترین کتاب طبی مورد استفاده بوده است (۷). او در ادامه می‌نویسد: «من در دست برخی از پزشکان خاص شاه، کتاب‌هایی در علم تشریح دیده‌ام، اما تصاویر این کتاب‌ها که زیاد هم بود به قدری بد نقاشی شده بود که هیچ فایده‌ای از آن‌ها حاصل نمی‌شد؛ پزشکان به من گفتند بیشتر این کتاب‌ها در زمان قدیم نوشته شده‌اند» (۷). با وجود این ضعف آشکار در تاریخ پزشکی صفویه، از این موضوع نیز نباید غافل ماند که بنا بر اقتضای زمان و نیاز شدید دوران، رساله‌هایی با محوریت بیماری‌های جدید در این دوره، تألیف شده که اتفاقاً تعداد آن‌ها نیز کم نیست. باه‌نامه‌نویسی، آبستنی‌نامه‌ها، نوشته‌های فراوان پیرامون سیفلیس و

عموم کسانی که با نگاهی کلی به پزشکی عصر صفویه پرداخته‌اند، تأکید می‌کنند که پزشکی این دوره نیز مانند دوره‌های دیگر، اهمیت داشته و در راستای اثبات این ادعا، به وجود مقام حکیم‌باشی با مسئولیت و جایگاه مهم در میان کارگزاران صفوی استناد می‌نمایند (۱). در مقابل، گفته‌شده دانش پزشکی و داروسازی در عهد صفویه و سپس دوره افشاریه و زندیه و قاجاریه تا دارالفنون، هرچه به پیش می‌آید، پژوهش و نوآوری آن کم‌تر می‌شود و طبیبان تنها به بازنویسی‌ها و ترجمه‌ها قناعت ورزیدند (۲). این‌که پزشکان در دوره‌ی صفویه دارای منزلت بالایی بودند و این امر ناشی از آن بوده که ایرانیان از قدیم‌الایام، پزشکان را محترم می‌داشتند (۳) تردیدی نیست و حتی در یک نگاه جامع‌تر و با رویکردهای اعتقادی باید اذعان کرد که حتی سنت پسندیده وقف نیز در خدمت این دانش قرار گرفت و در برخی از موقوفات، به کار گماردن طبیب حاذق و هزینه‌های «اغذیه و اشربه و ادویه و باقی مقدمات معالجه» نیز دیده شده است. (۴). با این وجود برخی از مشکلات اساسی فرا روی پزشکی عصر صفوی وجود داشت که موجب شده تا در بررسی تطبیقی بین پزشکی و سایر علوم در این دوره، پزشکی را در موقعیت پایین‌تری دیده و توصیف نمایند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

۱- تداوم سنت‌های کهن در روش کار پزشکان این دوره و کم توجهی به «روز آمد» نمودن آن‌ها. تاورنیه، سیاح اروپایی در دوره‌ی صفویه تأکید می‌کند که ایرانیان اذعان می‌نمودند که طب به روش کامل در مملکتشان معمول نیست و قبول داشتند که فرنگیان در این زمینه از آن‌ها خبره‌تر هستند (۵). این شیوه‌های کهن زمانی که با قشری‌گرایی و خرافه‌پرستی همراه می‌شد، بیش‌ترین آسیب را به پزشکی می‌زد. یک سیاح آلمانی که در زمان شاه صفی از اصفهان دیدار داشته تأکید می‌کند که روش

اروپا نبوده زیرا فقط در مورد جراحی که نیازمند تجهیزات خاص است، شاردن تأکید می‌کند «در ایران هیچ نوع جراحی معمول نیست و پزشکان ایرانی به این هنر آشنایی ندارند» (۷). این ضعف مفرط و آشکار به‌گونه‌ای بود که مبلغان مذهبی اروپایی در اصفهان تلاش می‌نمودند با تأسیس بیمارستان، هم نیاز جامعه را برطرف نمایند و هم در راستای فعالیت‌های تبلیغی خود از آن استفاده کنند (۱۱).

۴- چهارمین واقعیت در مورد پزشکی، این است که دانش پزشکی عصر صفویه در مقایسه با اروپا و در مقایسه با سایر علوم و به‌ویژه هنرها و صنایع از رشد و رونق کم‌تری برخوردار بود اما از زوایای دیگری می‌تواند نشانگر شکوفایی این دانش نیز باشد. برای این شکوفایی، دلایل متعددی از جمله موضوع جنگ با همسایگان، رواج بیماری‌های جدید در ایران و ضرورت آشنایی با درمان آن‌ها، حس استقلال‌طلبی علمی و غیره بیان شده است (۲). بی‌شک یکی از مصادیق این رشد، تألیف آثار- حتی با فرض بازنویسی‌ها - به زبان پارسی و دوری گزیدن پزشکان از تألیف آثار به زبان عربی بود. این مسأله زمانی مهم جلوه می‌کند که فراموش نکنیم به‌دلیل حضور علمای جبل عامل و حله در ایران در دوره‌ی صفویه، بار دیگر زبان عربی، زبان علمی شد و منابع علمی اکثر علوم به زبان عربی نوشته می‌شد. لذا فارسی نگاری رسائل پزشکی در دوره‌ی صفویه یک پیشرفت مهم محسوب می‌شود. هم‌چنین، و به گفته همین سیاحان اروپایی، ایران پیشرفته‌ترین کشور در مشرق زمین در حوزه‌ی پزشکی بود. شاردن تأکید می‌کند «بی‌گمان در زمان حاضر در سراسر مشرق زمین هیچ کشوری نیست که در هنر و فن پزشکی مانند ایران پیشرفته باشد و پزشکان بسیار باشند» (۷).

سوزاک- تحت عنوان کوفت و آتشک- نمونه‌هایی از این دست رساله‌ها بوده که با توجه به شرایط و مقتضیات دوره‌ی صفویه، به رشته تألیف در آمده و در مقایسه با منابع قدیمی، نوآوری‌هایی دارند (۲).

۳- بی‌توجهی شدید به مراکز آموزشی- درمانی و به‌طور مشخص به بیمارستان‌ها و در نتیجه غافل ماندن از فعالیت‌های تجربی و روزآمد در آموزش‌های پزشکی. از نوشته‌های سیاحان اروپایی چنین بر می‌آید که بیمارستان در این دوره مفهوم و کارکردی متفاوت داشته است. به بیان دیگر، بیمارستان‌هایی که در دوره‌ی صفویه وجود داشته، محلی برای نگهداری مجنونین و بیماران بوده است (۸). در این مورد تاورنیه می‌نویسد: «در ایران مانند اروپای ما، بیمارستان‌های عالی برای بیماران وجود ندارد» (۵). کمپفر، سیاح آلمانی که خود در گیاه‌شناسی و آگاهی از خواص دارویی گیاهان تخصص داشته نیز تأکید می‌کند اصفهان دارای یک بیمارستان بوده است (۹). اهمیت این گزارش از آن روست که در نظر داشته باشیم کمپفر در نیمه‌ی دوم قرن یازدهم هجری از اصفهان دیدار داشته، یعنی زمانی که طبق گزارش این سیاح و دیگر اروپاییان، جمعیت اصفهان، نیم میلیون نفر بوده است. لذا به اعتبار ملاک‌های امروزی، سرانه‌ی پزشک، بیمارستان و تخت در اصفهان دوره‌ی صفویه که سرآمد شهرها و پایتخت بوده، آن چنان پایین بوده که می‌توان از ضعف مفرط پزشکی در آن زمان سخن گفت. رافائل دومان، کشیش فرانسوی مقیم اصفهان در همین قرن که قریب چهل سال در این شهر زندگی نموده است، تأکید می‌کند در هر شهر ایران، یک یا دو بیمارستان بزرگ و مجهز وجود دارد (۱۰). ناگفته نماند اصطلاح بزرگ و مجهز مورد تأکید در این گزارش هرگز در مقایسه با

شاه‌عباس دوم- و احتمالاً زمان شاه‌عباس اول- و نیز نگاشتن رسائل ارزشمندی در حوزه‌ی پزشکی، اطلاعات محدودی از او در دست است.

علی افضل بن محمدامین قزوینی از پزشکان ایرانی قرن یازدهم هجری است که متأسفانه از تاریخ تولد و مرگ او اطلاعی در دست نیست. با این وجود و به دلیل این‌که آثار تألیفی او به نیمه دوم قرن یازدهم هجری باز می‌گردد و گزارشی از او در منابع پایانی این قرن نیز در دست نیست، می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال بسیار زیاد، دوران زندگی او از تولد تا مرگش در همین قرن یازدهم بوده باشد. پدرش محمدامین قاطع قزوینی اهل علم و ادب و هنر بوده و او در چنین محیطی رشد کرده است. قزوینی جدش را مولانا فضل‌الله طبیب تبریزی و معاصر با دوره امیر تیمور گورکانی معرفی می‌کند که دستی در طبابت داشته و تیمور به او لقب «بوعلی ثانی» داده بود (۱۴). این شخص علاوه بر طب، در تقطیع انواع تصاویر و خطوط نیز توانمند بوده، به همین دلیل این خاندان به «قاطع» مشهور شدند (۱۵).

محل تولد و رشد و تحصیلات علی قاطع قزوینی نیز در منابع نیامده است اما الگود بر اساس نوشته‌های این پزشک مدعی است که او در بیمارستان شاهی قزوین خدمت می‌کرده است (۱۰). با پذیرش این فرض، باید گفت علی قاطع، اصالتاً تبریزی بوده اما در قزوین رشد و نمو یافته و احتمالاً بخشی از دوران پایانی زندگی خود را در اصفهان گذرانیده است. احتمال زندگی او در اصفهان را از خلال گزارش‌های او در چرایی تدوین برخی آثارش می‌توان یافت. شاید بتوان این زندگی مهاجر گونه‌ی او را دلیل دیگری در عدم اشتها او و نامداری‌اش به‌ویژه در متون تاریخی دوره‌ی صفویه دید؛ ضمن این‌که سکونت‌گاه اصلی او قزوین، به‌رغم اعتبارش، به دلیل دوری از پایتخت، مورد غفلت مورخین نیز قرار گرفته است. در مورد تحصیلات و اساتیدش نیز با همین خلأ اطلاعاتی روبه‌رو هستیم. تا جایی که خود نیز به آن اشاره

اصول اخلاقی و شرعی در این دوره به شدت مورد توجه پزشکان بود و آن‌ها حتی پیش از آن‌که معلومات و دانش تخصصی طب را فراگیرند، علوم دینی را می‌آموختند و همین امر آن‌ها را در پابندی به اصول شرعی و اخلاقی متعهد می‌نمود (۱۲). بیمارستان‌ها اگرچه از نظر تعداد کم بود، اما به قول شاردن «به قدر کفایت، تمیز و نظیف و بسیار خوب نگه داری می‌شد» (۷). پزشکان حاذق فراوانی وجود داشتند که نامشان در کنار علما و مقامات کشوری و لشکری در منابع ذکر شده است (۱۳). این مسائل اساسی و دیگر نکات ظریف پیرامون وضعیت پزشکی عصر صفویه موجب شده تا بر این نکته تأکید شود تا هنگامی که رسائل پزشکان عصر صفوی مورد توجه و مطالعه دقیق قرار نگیرند، قضاوت دقیق و نهایی از وضعیت این علم در آن دوره نمی‌توان داشت. لذا در راستای همین اصل، این پژوهش با هدف شناساندن یک پزشک حاذق- اگرچه نام و آوازه‌ای در منابع صفوی و تحقیقات جدید وجود ندارد- و به‌ویژه معرفی یکی از آثار او در حوزه‌ی پزشکی، اقدام به معرفی علی قاطع قزوینی و رساله‌ی فواید الافضلیه نموده است.

علی قاطع قزوینی، پزشک دانشمند عصر صفوی

دانش پزشکی و داروسازی عصر صفوی از مهم‌ترین شاخه‌های علمی است که شدیداً نیازمند پژوهش و تحقیق علمی است. آثار و رسائل کوچک و بزرگی از پزشکان حاذق و دانشمند این دوره باقی مانده است که راهگشای ارزشمندی در بررسی تاریخ تمدنی دوره‌ی صفویه می‌باشد. متأسفانه این آثار و نویسندگان آن‌ها مورد غفلت واقع شده و امروز اطلاعات بسیار کمی از آن‌ها در دست است. علی افضل بن محمدامین معروف به قاطع قزوینی، یکی از این پزشکان است که به‌رغم اشتغال ایشان به حرفه پزشکی در زمان شاه صفی و

نمی‌کند و فقط از اشتغال خود به دانش‌اندوزی یاد می‌کند (۱۵).

علی افضل علاوه بر طبابت و پزشکی که حرفه خانوادگی او بوده و به تعبیر خودش «بنا بر وراثت اجدادی، به تعلیم آن اشتغال داشته، در علم قرائت و فنون خط و کتابت نیز دارای تخصص و مهارت بوده و حاصل این دو توانمندی را در «استجماع کتب و رسایل و استفاده از آن‌ها» متمرکز نموده که حاصل آن، تألیف آثار متعددی، از جمله در حوزه‌ی پزشکی است (۱۴). او ظاهراً دستی در شعر هم داشته و متخلص به «افضل» بوده است (۱۶).

علی افضل قزوینی، پزشکی پرکار به‌ویژه در زمینه آموزش پزشکی و تألیف آثار پزشکی در دوره‌ی صفویه بوده است. بیش‌ترین اعتبار قزوینی به‌دلیل نگارش‌هایش در حوزه‌ی پزشکی و به‌ویژه کتاب «منافع افضلیه» یا «قربادین قاطع» است که تاریخ‌نگاران پزشکی، آن را به خوبی می‌شناسند (۲). اعتبار این کتاب و توجه محققان به آن را باید از دلایل اصلی غفلت از دیگر اثر ارزشمند او یعنی «فوائد الافضلیه» دانست که در این پژوهش معرفی خواهد شد. الگود به‌طور ضمنی به این توجه مفرط به منافع افضلیه اشاره دارد و تأکید می‌کند که از کتاب منافع الافضلیه بهره فراوان برده است. او این کتاب را «بیش‌تر از یک کتاب داروسازی و خیلی کم‌تر از یک کتاب درسی پزشکی» معرفی می‌کند (۱۰). این کتاب را قزوینی برای برادر خود غیاث‌الدین علی (۱۷) نوشته است هرچند در گزارش‌های دیگر، غیاث‌الدین علی، پسر برادر (۱۰) یا فرزند خودش (۱۸) معرفی شده است. ناگفته نماند عناوین بخش‌های مختلف منافع افضلیه به‌گونه‌ای است که نمی‌توان تصور نمود این یک کتاب داروسازی است و بیش‌تر به معرفی بیماری‌ها و تکالیف اخلاقی و حرفه‌ای طبیب می‌پردازد. هم‌چنین، روحیه علمی و جستجوگری قاطع قزوینی را در این کتاب به خوبی می‌توان دید. او در این کتاب بارها به «قانون»، «کامل الصناعه»، «جوارش افضلی» و «مفید» که از آثار پزشکی

است- که دو مورد آخر از تألیفات خود او بوده است- ارجاع می‌دهد (۱۷).

توانمندی قاطع قزوینی در زبان و ادبیات عرب را از دیگر اثر او در حوزه‌ی پزشکی می‌توان تشخیص داد. کتاب «مفید» او که قبل از منافع افضلیه و به عربی نوشته‌شده، اگرچه اعتباری به اندازه منافع افضلیه ندارد، اما نشان از توانمندی قزوینی در زبان عربی دارد (۱۰). علاوه بر این‌ها که به‌طور قطع از آثار پزشکی قاطع قزوینی است، در برخی منابع از کتاب دیگری از او با نام «جوارش» یاد شده که در موضوع داروسازی و به منظور تقویت دستگاه گوارش است (۲).

این پزشک دانشمند و اخلاق‌گرای دوره صفوی علاوه بر آنچه گفته شد به‌دلیل مناعت طبع و دوری از اسم و رسم و شهرت و اعتبار و وابستگی به دربار و دل‌بستگی به منصب و مقام، نام و آوازه‌ای در منابع ندارد. توصیه‌های اخلاقی و فرزانه گونه‌اش و آرامشی که در ورای واژه‌های آثار او دیده می‌شود، نموداری از عزت نفس او و گرایش او به عرفان و فرزانتگی است. هم‌چنین، تیزهوشی و خلاقیت و نظم و انضباط که ردپای آن در دو اثر منافع افضلیه و فوائد الافضلیه دیده می‌شود، شاخص‌های ویژگی‌های فردی و اخلاقی علی قاطع قزوینی است (۲). با عنایت به اهمیت مطالب و محتوا و سبک و نگارش و به‌ویژه تأکیدات اخلاقی و حرفه‌ای علی قاطع قزوینی در کتاب فوائد الافضلیه و با توجه به غفلتی که نسبت به معرفی و استفاده از آن در مجامع علمی- دانشگاهی صورت گرفته، در ادامه به معرفی این نسخه بدیع از تاریخ پزشکی صفویه می‌پردازیم.

رساله‌ی طبی فوائد الافضلیه

فوائد الافضلیه یک نسخه طب و پزشکی است که نه یک درسنامه منظم برای آموزش دانش داروسازی یا پزشکی کهن یا حتی یک کتاب مرجع دارویی، بلکه عصاره‌ای از مطالب متنوع و لازم برای وابستگان شاخه پزشکی است که در کم‌تر کتابی این‌چنین گردآوری شده است. در واقع می‌توان به آن،

جمله‌ی «به فوائد الافضلیه که مع الف لام موافق تاریخ سال تألیف آن است مسمی ساخت» به ماده تاریخ تألیف این کتاب اشاره می‌نماید (۱۵). شاید همین مقدمه موجب شده باشد که علامه شیخ آقابزرگ تهرانی تأکید نماید که نویسنده آن را به اسم شاه‌عباس دوم تألیف نموده است (۱۹). این موضوع موجب شده تا در فهرست نویسی های جدید در مواردی تأکید شود که نویسنده کتاب را به شاه عباس دوم تقدیم نموده و از همین جهت مورد اختلاف صاحب نظران می‌باشد (۲۰).

این کتاب، رساله‌ای پرحجم و در حدود ۸۵۸ ورق در قطع بزرگ است. از این نظر نیز فواید الافضلیه در میان کتاب‌های پزشکی عصر صفویه قابل توجه است به گونه‌ای که آن را باید حجیم‌ترین رساله‌ی پزشکی عصر صفوی دانست که تا این زمان شناخته شده است. حجم بالای این کتاب می‌تواند هم نشان‌دهنده دانش و تلاش نویسنده باشد و هم هدف نویسنده. در واقع فواید الافضلیه دائرةالمعارف پزشکی عصر صفوی است، به همین دلیل ضمن توجه نویسنده به منابع پیشین طب سنتی و استفاده از آن‌ها، تلاش زیادی نموده تا کتابی تدوین نماید که داشتن و استفاده از آن برای هر پزشکی در آن دوران یک ضرورت محسوب شود. قزوینی با تألیف این رساله نوآوری‌هایی به‌ویژه در زمینه اخلاق پزشکی، پیوند طب سنتی معروف به طب النبوی با طب رایج در زمان خود، توجه به برخی از بیماری‌ها به‌ویژه بیماری‌های پوستی و هم‌چنین، توجه به روان‌درمانی علاوه بر دارودرمانی از طریق توسل به خداوند و معصومین (ع) ارائه نموده است. حجم زیاد این کتاب علاوه بر تعداد اوراق، ناظر بر ابعاد و تعداد سطور نیز هست. ابعاد هر ورق این کتاب، بیست و چهار سانتی‌متر و تعداد سطور در هر صفحه، حدوداً بیست و نه سطر است. این رساله‌ی خطی به زبان فارسی و به خط نستعلیق است. نسخه‌ی مورد استفاده در این مقاله، به شماره ۱۱۱۲ و متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که

نام وصیای طبی و فنون طبی داد که راهنمایی است برای انجام دستورات دیگر کتاب‌های مراجع پزشکی و آموزش دانشجویان پزشکی (۲).

از این رو این کتاب را باید نوعی دائرةالمعارف پزشکی دانست که علی‌قاطع قزوینی با ترکیب نمودن دانش پزشکی، تجربیات خویش و مطالب اخلاقی و پندها و حکایات اثربخش تلاش نموده تا جذابیت آن را دو چندان نماید. این کتاب هم‌چنین، منبعی برای دانش داروسازی دوره‌ی صفویه محسوب می‌شود، اگرچه در هر دو حالت نوعی گردآوری است. بر این اساس، مهم‌ترین کاربرد فواید الافضلیه در بررسی تاریخ پزشکی عصر صفویه، این است که از یک سو عصاره و منبع جامعی از چندین قرن دانش پزشکی ایرانی است و از سوی دیگر، به روز بودن پزشکان عصر صفوی را نشان می‌دهد؛ لذا این کتاب با هدف بیان فضل دانش نویسنده یا رفع نیاز مقطعی تألیف شده است. فواید الافضلیه اگرچه در موارد متعددی و حداقل در فصول و بخش‌های خود شباهت زیادی به منابع پزشکی ایرانی هم‌چون قانون ابن‌سینا دارد، اما علاوه بر تفاوت‌های متعددی که در شکل و فصل‌بندی نسبت به آن‌ها دارد، نوآوری‌های ویژه‌ای مخصوصاً در زمینه‌ی معرفی بیماری‌های جدید دارد که از این نظر می‌تواند قابل توجه باشد. ارزش این کتاب در تاریخ پزشکی صفویه، جایگاه مرجع بودن آن است، اگرچه نتوانسته اسم و اعتباری هم‌چون آثار گران‌سنگ طب ایرانی برای خود پیدا نماید.

این کتاب در سال ۱۰۵۸ هجری در دوره سلطنت شاه‌عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ه.ق) نوشته شده است. اما جالب اینجاست که در نام‌گذاری کتاب هیچ نشانی از پیشکشی او به پادشاه وجود ندارد. او در قسمتی با عنوان فاتحه اگرچه و به رسم منابع آن زمان توصیفی توأم با اغراق از شاه‌عباس دوم آورده، اما هیچ‌گاه اشاره‌ای به پیشکش نمودن کتاب به این شاه صفوی ندارد. در پایان این قسمت تأکید می‌کند که این کتاب را در دوران این پادشاه نوشته و با آوردن

دانست. این کتاب سند گویایی از پزشکی عصر صفویه و اطلاعات و دانش پزشکی در آن دوره می‌باشد. به منظور آگاهی بیش‌تر از محتوای فوائد الافضلیه بخش‌های مختلف آن در ادامه معرفی می‌شود.

رساله با «بسم‌الله الرحمن الرحیم شافی امراض قلوب سقیم»، شروع می‌شود. سپس متن رساله با جمله: «حمد و ثنا خالق ارواح را، صانع این عالم اشباح را...» ادامه می‌یابد. ساختار رساله را در جدول شماره‌ی یک به‌صورت زیر می‌توان نشان داد.

جدول شماره ۱ - نمایه‌ی ساختار رساله‌ی فوائد الافضلیه

اجزاء	تعداد مطالب
فاتحه	شامل ۲۴ فایده (فایده دوم شامل ۳ افاده)
منافع	شامل ۳۶ منفعت (منفعت هفدهم شامل ۲ مقاله منفعت بیست و چهارم شامل ۳۷ اعراض منفعت بیست و هفتم شامل ۱۸ مقصد)
خاتمه	شامل ۱۲ مطلب

همان‌طور که در نمایه آمده این رساله در اجزایی با نام‌های فاتحه، منافع و خاتمه و زیرمجموعه‌هایی با عناوین فایده، افاده، منفعت، اعراض، مقصد و مطلب تقسیم‌بندی شده که خود این نظام تقسیم‌بندی نیز به‌رغم تشابهی که با نمونه‌های دیگر در همان دوره‌ی صفویه و قرون قبلی دارد، نوآوری قزوینی را در ترتیب‌بندی مطالب نشان می‌دهد. آگاهی از مطالب هر یک از این تقسیمات در فهم بیش‌تر جایگاه این کتاب در پزشکی عصر صفوی مؤثر خواهد بود که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

فاتحه: این رساله شامل بیست و چهار فایده است که در جدول شماره‌ی دو به نمایش درآمده است.

مشمول بر یک فاتحه، سی و شش منفعت و یک خاتمه است که هر منفعت، خود شامل چندین مطلب است که جامع مطالعات و تبعات وی بوده است، او درباره انگیزه‌اش در نوشتن این کتاب چنین اظهارنظر می‌کند:

«بنا بر التماس بعضی احبا خواست تا خلاصه فواید مذخوره خود را در مخزنی فراهم آرد و دست از اکثر کتب منتخب منها باز دارد مثل قانون و شروح و حواشی آن و کامل الصناعه و حاوی کبیر و صغیر و اکثر تصانیف مشهوره محمد بن زکریا که تعداد آن مؤدی به اطناب می‌گردد و کناشی طبری و حنین و ایلاقی و تصریف خلف زهراوی و مختار ابن هبل و ذخیره ثابت و ارشاد و خلاصه و ترویج الارواح و میامر و مفتاح استاد ابوالفرج و خمسه نجیبی و ذخیره خوارزمشاهی و نظامشاهی و مرآت الشفا و غنی منی و مائه مسیحی و طب کلی و شروح فصول ابقرط و شرح مسایل حنین و نصوص جالینوس و حیلہ البرء و ما لایسع الطبیب جهله و جامع ابن بیطار و شامل ابن تلمیذ و جوامع الجامع قانسی و مصنفات اطبای روم و ترک از عربی و ترکی و یادگار ابن شریف و دستور الطب نوائی و شفا الاسقام و نورالعیون و نورالابصار و طب البلدان و مانند آن‌ها از کتب و رسایل و قرا‌بادینات معتمده و اکثر رسایل شیخ الرئیس که تعداد آن‌ها موجب اطالت کلام می‌گردد و رسایل افضل المثلث خیرین حکیم عمادالدین محمود و رسایل حکیم علی گیلانی و کتب رساین هنود تا تلافی تقصیر مخلی که در رساله‌ی مسمی به منافع الافضلیه و تدارک تطویل مملی که در کتاب مفید واقع شده نموده باشد» (۱۵). این توضیحات نویسنده، وجه دیگری از اهمیت و ارزش این کتاب را در تاریخ پزشکی صفویه نشان می‌دهد. نویسنده تأکید می‌کند فوائد الافضلیه علاقه‌مندان به طب را از مراجعه به منابع متعدد و متقدم بی‌نیاز می‌کند؛ لذا جایگاه این کتاب را باید در تاریخ پزشکی عصر صفویه و به‌رغم استفاده‌های مکرر نویسنده از منابع پیشین، برابر با منابع گران‌سنگ طب ایرانی در ادوار قبل

جدول شماره ۲ - نمایه‌ی قسمت‌های مختلف فاتحه

فایده	محتوا	فایده	محتوا
اول	موضوعات طب و علم اخلاق و تقسیمات آن	سیزدهم	ملاحظه فصل سال
دوم	توصیف حالات طبیعی بدن ^(۱)	چهاردهم	معرفت اوقات اربعه مرض
سوم	شرافت علم طب و وصیت طبیب	پانزدهم	تحقیق مقدار و قوت و شدت مرض
چهارم	کیفیت تشخیص امراض	شانزدهم	دانستن طبیعت مرض در حدت و ازمان
پنجم	تحقیق سبب مرض	هفدهم	مقارنات امراض
ششم	تفحص قوت مریض	هجدهم	معرفت خلقت عضو علیل
هفتم	تفحص مزاج ایام صحت مریض	نوزدهم	معرفت وضع عضو علیل
هشتم	تحقیق جنس مریض	بیستم	معرفت اصلیت و اشتراک امراض
نهم	تحقیق سن مریض	بیست و یکم	معرفت اجتناب مواد
دهم	تحقیق عادات و انواع آن	بیست و دوم	اقسام اجتناب
یازدهم	تحقیق صناعت مریض	بیست و سوم	معرفت و تفحص شهوت و رغبت مریض
دوازدهم	رعایت مسکن مریض	بیست و چهارم	معرفت امتیاز فی مابین امراض متشابه

۱- این فایده سه زیرمجموعه با عنوان «افاده» دارد که عبارت‌اند از: افاده‌ی اول: اسباب و انواع سته ضروریه. افاده‌ی دوم: امراض مسری و ارثی. افاده‌ی سوم: بیان اعراض و علامات امزجه. اصلی‌ترین قسمت رساله، با عنوان «منافع» در این رساله آمده است و شامل سی و شش منفعت می‌باشد که نمایه‌ی آن در جدول شماره‌ی سه نشان داده شده است.

جدول شماره ۳ - نمایه‌ی قسمت‌های مختلف منافع

منفعت	محتوا	منفعت	محتوا
اول	کیفیت معالجه و اقسام نبض و قاروره	نوزدهم	ادویه‌ی کبدیه و بعضی از احشا از مفرده و مرکبه
دوم	کیفیت تبدیل و تعدیل سوء مزاجات	بیستم	ادویه‌ی معدیه از مفرده و مرکبه
سوم	اسباب تولد خون و علامات استیلاهی آن و طرق اخراج آن و آنچه متعلق به فصد است.	بیست و یکم	ادویه‌ی صدر و زکام و نزله از مفرده و مرکبه
چهارم	صنعت مسهلات و ترتیب ادویه مسهله واجب	بیست و دوم	مقویات و مقنضات باه از مفرده و مرکبه
پنجم	اسباب تولد صفرا	بیست و سوم	آنچه متعلق به معالجه حمیات یومیه و عنقیه است از مفرده و مرکبه
ششم	اسباب تولد بلغم	بیست و چهارم	ذکر اعراضی که عروض آن‌ها در حمیات است (۲).
هفتم	اسباب تولد سودا	بیست و پنجم	تدبیر ناقهین
هشتم	منضجات و مسهلاتی که زیاده بر یک خلط استفرغ می‌کند از مفرده و مرکبه	بیست و ششم	آنچه متعلق به معالجه اورام و بثور و جراحات و ضربه و سقطه است.

بیان معالجاتی که از محمد بن زکریا و علی بن عباس مجوسی آمده و فواید و معالجات مجربه متقوله از حکمای هند (۳).	بیست و هفتم	کیفیت قتل و اخراج انواع دیدن	نهم
بیان آنچه بالخاصیه دفع امراض و رافع اعراض به ترتیب علل از فرق تا قدم تواند بود.	بیست و هشتم	تدارک عوارضی که بعضی اوقات شاربان مسهل را عارض می‌شود	دهم
بیان کیفیت و مضرت و اصلاح بعضی از ادویه و اغذیه	بیست و نهم	بیان منفعت و مضرت قی و آنچه متعلق بدان است.	یازدهم
معرفت بعضی ادویه شریفه و تفرقه میانه نیک و بد آن‌ها و بیان بدل آن‌ها	سی‌ام	اسباب تولد ریح و علامات غلبه آن و کسر و تحلیل آن	دوازدهم
بیان بعضی از تراکیب و معاجین مفرحه	سی و یکم	اسباب تولد سده و علامات حدوث و بیان مفتحات آن از مفرده و مرکبه	سیزدهم
مداوای بعضی سموم مشروبه و گزیدن جانوران زهردار	سی و دوم	کیفیت مداوای اسهال	چهاردهم
بیان بعضی از اوزان مشهوره	سی و سوم	ادرار بول و مفتحات حصات	پانزدهم
ترجمه اکثر لغات کثیره‌الوقوع در کتب طبیه	سی و چهارم	حوایس بول و حیض و خون بواسیر و اوجاع اوعیه و مجاری آن‌ها از مفرده و مرکبه	شانزدهم
بیان حل بعضی اشکال و اجوبه	سی و پنجم	شامل دو مقاله است (۱).	هفدهم
بعضی فواید نجومیه	سی و ششم	ادویه قلبیه و دماغیه و مداوای امراض آن‌ها از مفرده و مرکبه	هجدهم

رعشه، سیلان خون از دهن و لثه، احتباس بول، انفجارالدم من الاذن، یرقان، فواق (سکسکه)، تشنج، وجع الظهر و القطن، شهوت کلبیه، تورم قدمین، سقاقلوس.

۳- این منفعت دارای هجده زیرمجموعه با عنوان مقصد است که عبارت‌اند از: علل اعضای رأس، امراض عین، امراض اذن، اعلال أنف، امراض اعضاء فم و حلق، امراض صدر، امراض قلب و ثدی، امراض معده، امراض کبد و طحال و مراره (کیسه صفرا)، مداوای اوجاع جنب و خاصره و منکبین (هر دو کتف)، مداوای انواع اسهال و زحیر و مقص و بواسیر و دیدان، اوجاع قولنج، امراض کلیه و مثانه و آلات

۱- مقالات این منفعت عبارت‌اند از: مقاله اول در حدود اکثر امراض مختصه به اعضا از فرق تا قدم و مقاله دوم در تعریف وجع و بیان اقسام اوجاع (درد) و مسکنات اوجاع.

۲- قزوینی سی و هفت عرض را نام می‌برد که عبارت‌اند از: قشعیره (لرز)، صداع (دردسر)، عرق، رعاف (خون‌دماغ)، قی، اسهال، تشنگی مفرط، خواب ثقیل، بی‌خوابی، سعال (سرفه)، عطاس، بطلان اشتها، احتباس طبیعت، خشونت و لزوجت زبان، سواد زبان، لکنت زبان، تقدسر، درد اندرون، برودت دست و پا، غشی، تنگی نفس، شدت کرب (اضطراب) و قلق، عسر ازدرد، سلاق، ثقل سمع، اوجاع مفاصل،

کند و بعد سوره فاتحه بخواند و سپس با روی گشاده، بدون ترشروی، با امیدواری و خوش بینی به مطالعه سابقه‌ی بیماری بپردازد» (۱۵)، به اخلاق‌گرایی پزشکان تأکید می‌کند در خاتمه با آوردن قسمت‌هایی، موضوع توسل به خداوند و معصومین (ع) را به منظور مفید واقع شدن درمان و شفای بیمار مورد توجه قرار داده است. این نمونه توصیه‌ها در موارد مشابه از این دست آثار به ندرت دیده می‌شود. هم‌چنین، جزئی کردن بیماری‌ها و ابتلائات و اشاره به درمان آن‌ها در این سطح را در منابع دیگر کم‌تر می‌توان دید. همین مسأله موجب حجم نسبتاً زیاد این رساله در مقایسه با نمونه‌های مشابه شده است.

تناسل، امراض رحم، اوجاع مفاصل و نقرس و عرق النساء، مداوای حمیات، اورام و بثور و امراض و عوارض غیر مختصه، معالجات و اقوال نافعه حکمای هند به ترتیب اعضا.

آخرین قسمت از رساله‌ی فواید الافضلیه با عنوان «خاتمه» شامل برخی فواید متفرقه است که به نظر قزوینی در مواردی توجه به آن برای افراد و به منظور حفظ سلامت، ضرورت دارد. او این قسمت را در دوازده بخش با عنوان مطلب آورده که محتوای آن در جدول شماره‌ی چهار به نمایش درآمده است. از مهم‌ترین نوآوری‌های فواید الافضلیه به همین «خاتمه» می‌توان اشاره کرد. نویسنده که در آغاز رساله با آوردن جمله‌ی «گفت‌وگوی خود را با مریض با بسم الله آغاز

جدول شماره‌ی ۴ - نمایه خاتمه

مطلب	محتوا	مطلب	محتوا
اول	مقدمات سفر و مدح و ذم آن	هفتم	کیفیت محافظت مرکوب و مداوای بعضی امراض الکثیره الوقوع مراکب
دوم	لوازم سفر و بیان لوازم مسافر	هشتم	امور کلیه مفیده در حفظ صحت و ازاله مرض منتخب از کتاب طب النبی و بیان شرایط حذاقت طیب
سوم	تدابیر اوقات حاره و تأثیر و تدبیر سموم و علاج سموم زده	نهم	بیان معالجات غریبه سهله المؤمنه از کتاب طب النبی جهت امراض اعضا از فرق تا قدم
چهارم	تدابیر اوقات بارده و تأثیر و افساد برودت	دهم	بیان ادویه و اغذیه مفرده و منافع و مضار آن از کتاب طب النبی
پنجم	متعلقات سفر بحر و اختیار ساعت سعد آن و علاج دوار و غثیان	یازدهم	بعضی ادویه و معالجات منقوله از حضرات ائمه معصومین منتخب از کتاب طب النبی
ششم	ادعیه متعلقه به سفر و معرفت رجال الغیب و آنچه متعلق بدان است	دوازدهم	ذکر بعضی ادعیه ماثوره در شفای امراض از حضرات ائمه معصومین

نتیجه‌گیری

وجود، اصل رعایت اخلاق و اصول انسانی موجب شده تا در ذیل این متن تخصصی، از پرداختن به آن‌ها غافل نماند. به‌گونه‌ای که نویسنده در آن جا از کتاب یک قسمت را به موضوع علم اخلاق و ارتباط آن با طب اختصاص داده است. او در شرح وظایف یک پزشک، رعایت روابط انسانی را مقدم بر وظایف حرفه‌ای دانسته، تأکید می‌کند که پزشک باید در

بررسی فواید الافضلیه نشان می‌دهد علی قاطع قزوینی یک پزشک حاذق، توانمند و دانشمند و انسانی اخلاق‌گرا و مجرب بوده که تلاش نموده با استفاده از دانش کهن پزشکی، دائرةالمعارفی از ضرورت‌های مورد نیاز یک طالب و دانش‌پژوه علم پزشکی را در زمان خود تهیه نماید. با این

منابع

- 1- Velayati A. The cultural and civil dynamism of Islam and Iran. Tehran: Forign Ministry Publication; 2005, p. 345. [In Persian]
- 2- Mohaghagh M. Cardinal Sciences form Beginning of Safavid Era up to Establishment of Darolafoon Institution. Tehran: Cultural Artistic Prid Institution; 2005, p. 233-6 & 284-9. [In Persian]
- 3- Savory R. Safavid ERA Iran. Translated by Azizi K. Tehran: Markoz Publication; 1993, p. 219. [In Persian]
- 4- Ahmadi N. Endowment and Expansion of Curative Issue Based Trust Instruments. Qom: Koomeh Publication; 2003, p. 16. [In Persian]
- 5- Tavernier JB. Tavenier's Travels. Translated by Arabab Shirani H. Tehran: Niloufar Publication; 2004, p. 303-304. [In Persian]
- 6- Oleavius A. Olevavius's Travels. Translated by Behpour A. Tehran: Ebtekar Publication; 1984, p. 309. [In Persian]
- 7- Chardin J. Chardin's Travels. Translated by Abbasi M. Tehran: Amir Kabir Publication; 1984, p. 405 and 1119 and 1124. [In Persian]
- 8- Kasiri M. A Prelude on the Record of Medicine in the City of Isfahan. Isfahan: Isfahan Medical University; 2009, p. 111. [In Persian]
- 9- Kaempfer E. Kaempfer's Travels. Translated by Jahan Dari K, Tehran: Kharazmi Publication; 1984, P. 191. [In Persian]
- 10- Elgood C. Medicin in Safavid Era. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University; 1978, P. 48 & 56-57 & 116. [In Persian]
- 11- Karrery JFJ. Karrery's Travel. Translated by Nakhjavani A, Karang AA. Tehran: Science and Culture Publication; 2004, p. 86. [In Persian]
- 12- Shams Ardakani M, Zolfaghari B, Torki M, Roozbehani M, Roozbehani A. [Morori bar Tarikh va Mabani Tebb Sonnati Islam va Iran]. Tehran: Malaek Publication; 2008, p. 20. [In Persian]
- 13- Torkaman ABM. [Tarikh Alam ara yi Abbasi]. Tehran: Doniaye Ketab; 1998, p. 263-6. [In Persian]
- 14- Monzavi A. [Fehreste Noskhehaye Khatti], first edition. Tehran: Moasseseh Farhangi Mantaghehey; 1969, p. 577. [In Persian]
- 15- Ghate Ghazvini A. [The Favaedol Afzalieh, Noskkeh Khatti], No 1112. Tehran: Ketabkhaneh Majlese Shoraye Eslami; p. 2. [In Persian]

رفتار خود با بیمار به گونه‌ای عمل کند که بیمار را امیدوار به تندرستی و سلامتی نماید. این روحیه علی قاطع قزوینی در سراسر رساله‌ی ارزشمند فوائد الافضلیه مشهود است. از این رو فوائد الافضلیه هم نشان‌دهنده، توانمندی نویسنده در دانش پزشکی است و هم حجیم‌ترین رساله‌ی پزشکی دوره‌ی صفویه که با هدف بی‌نیاز نمودن پزشکان آن دوره از مراجعه به منابع متعدد و متفرقی است که از چندین قرن قبل باقی مانده بود. این رساله ارزشمند در حکم منبع اصلی پزشکی صفویه محسوب می‌شود، هر چند در تدوین آن، پیاپی از منابع طب قدیم استفاده شده است. لذا تصحیح و بازنویسی این رساله‌ی ارزشمند ضمن تبیین دقیق‌تر تاریخ پزشکی عصر صفویه، نکات ارزشمندی را از پزشکی ایرانی - اسلامی، فرا روی پژوهشگران و صاحب‌نظران در این حوزه قرار می‌دهد.

- 18- Elgood C. The History of Medicine in Iran and Eastern Khalifats Terithories. Translated by Farghani B. Tehran: Amir Kabir Publication; 1967, p. 307. [In Persian]
- 19- Aqa BT. [AL-Dharia ila tasanifal-shi'as]. Beirut: Dar-AL-Azwa; p. 325. [In Persian]
- 20- Sadrai Khooi A, Hafezian Baboli A. The manuscript index of Ayatolah Golpayegani Puplic Library, first edition. Qom: Aljavad Institution; 2009, p 3099-3100. [In Persian]
- 16- Hossaini AJ. [Fehreste Noskhehaye Khatti Ketabkhaneh Majlese Shoraye Eslami], first edition. Tehran: Markaze Pajooresh, Ketabkhaneh va Markaze Asnade Majlese Shoraye Eslami; 2010, p 154. [In Persian]
- 17- Monzavi A. [Fehrestvareh Ketabhaye Farsi], first edition. Tehran: Tehran University; 2001, p. 3432. [In Persian]

Favaed-al-Afzalieh: a treatise on medicine and its standing in the Safavid era

Ali Akbar Jafarey¹, Fatemeh Alian Aminabadi², Zahra Hossein Hashemi^{*3}

¹Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanistic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran;

²MSc Student in History of Medicine and Pharmacy, Faculty of Literature and Humanistic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran;

³MSc Student in History of Islam, Faculty of Literature and Humanistic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

Ali Afzal Ghaté' Ghazvini was a renowned physician, scholar, and calligrapher of the Safavid era whose personality and efforts in the field of medicine have not been fully recognized thus far. Among his works, three medical treatises can be of use in researching the medicine of the Safavid era. The present article adopts a descriptive-analytic method to introduce one of these treatises, Favaed-al-Afzalieh, and present a survey of its content in addition to the author's biography. The findings here are based on the three chapters of this medical classic, which indicates the encyclopedic nature of this treatise. Favaed-al-Afzalieh reveals details on a variety of practical medical issues prevalent in the Safavid era, and is considered outstanding due to the volume of all the medical information it contains. The present study discusses the standing of this treatise in the history of medicine along with a suggestion to revise and publish this valuable, comprehensive work and reintroduce it to the world of medicine.

Keywords: Ali Afzal Ghaté' Ghazvini, Favaed-al-Afzalieh, Safavid, Islamic Medicine

*Email: hashemizahra30@yahoo.com